

بررسی و نقد ادله حرمت نقاشی و مجسمه‌سازی موجودات روح‌دار از دیدگاه فقها

حمیدرضا دهقانی فیروزآبادی^۱

چکیده

یکی از انواع خرید و فروش‌های حرام، اکتساب به عمل حرام است که تصویر یکی از مصادیق آن است. تصویرسازی از دیدگاه فقها حرام است. تصویر به دو بخش موجودات روح‌دار و غیر آن و هر کدام به دو بخش مجسمه و غیر مجسمه یا نقاشی تقسیم می‌شوند. مشهور است که ساخت یا کشیدن تصویر آن‌چه روح ندارد، حرام نیست. در مورد حرمت تصاویر موجودات روح‌دار بین اکثر فقهای امامیه اختلاف وجود دارد که آیا این حرمت شامل مجسمه و نقاشی می‌شود یا فقط ساخت مجسمه آنها حرام است. البته احتمال عدم حرمت تصویرسازی به صورت مطلق در غیر بت‌سازی هم وجود دارد. این اختلاف فتوا، به دلیل وجود روایات مختلف در این باب و طریق برداشت از آنها است. در این مقاله به بررسی اقوال و ادله هر قول پرداختیم، که نتیجه آن اقوی شمردن قول به حرمت مجسمه‌سازی موجودات روح‌دار و احتمال مقیدکردن حرمت آن به مورد بت‌سازی است.

واژگان کلیدی: تصویر، تمثال، مجسمه، نقاشی، روح‌دار.

تأسیس: ۶۳ (۴۱) ۱۳ هـ. ش

۱. طلبه پایه هشتم، مدرسه شهیدین علیه السلام قم.

رایانامه: hrdehghani1377@gmail.ir

شماره تماس: ۰۹۱۳۵۲۵۱۶۲۶



۱. مقدمه

تصویرسازی یکی از عمل‌های حرام در اسلام است. در روایات زیادی تصویرسازی نهی شده است؛ به گونه‌ای که در بعضی از روایات تهدیدها و تشدیدهای غیرقابل باوری از طرف شارع بیان شده است. این دسته روایات با بیان‌های متفاوت و الفاظ مختلفی مانند صورة، تمثال و تصویر بیان شده‌اند، که موجب برداشت‌های مختلف از آنها شده است. در مورد تصاویر موجودات بدون روح بحث‌هایی شده است و مشهور با توجه به روایات، قائل به عدم حرمت آنها هستند، اما در مورد تصاویر موجودات روح‌دار اختلافات زیادی وجود دارد. امروزه با توجه به گسترش هنر و ساخت مجسمه و کشیدن نقاشی انسان‌ها و حیوانات، این سؤال پیش می‌آید که آیا مجسمه‌سازی و نقاشی کشیدن موجودات روح‌دار مطلقاً حرام است یا حرمت صرفاً مختص به مجسمه آنها است یا اصلاً حرمتی در غیرمورد بت‌سازی وجود ندارد؟ البته این سوال از گذشته مطرح بوده است و اقوال مختلفی از آن پدید آمده است. برای پاسخ به این پرسش، باید به بررسی روایات موجود در این بحث، مفاهیم موجود در روایات و دلالت آنها پرداخت. مقاله پیش‌رو به بررسی حرمت مطلق تصاویر موجودات روح‌دار یا حرمت نوع خاصی از آنها با توجه به اقوال فقها پرداخته و در ضمن بررسی روایات، به احتمالات موجود در اقوال فقها در مورد علت حرمت تصاویر نگاهی انداخته است.

۲. مفهوم شناسی

۱-۲. تصویر

ریشه آن (ص ور) است. صورة نیز یکی از مشتقات آن است که صورت هر مخلوقی، به معنای هیئت خلقت آن است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۳۲۰)
صورت: به معنای شکلی است که هیئت یک چیز است و هیئت یک چیز، آن چیزی است که از همه جوانب شبیه آن باشد. (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۸۶)

۲-۲. مجسمه

ریشه آن (ج س م) است. جسم جمع بین بدن و اعضاء از انسان‌ها و غیرآنها از موجودات بزرگ است. (ابن سیده، ۱۴۲۱ ق، ج ۷، ص ۲۸۲)

متبادر از مجسمه: آن چه جسم دارد که وقتی در معرض نور قرار می گیرد سایه از آن تشکیل می شود. (محقق کرکی، ۱۴۱۴ ق، ج ۴، ص ۲۳)

۲-۳. تمثال

ریشه آن مثل است. مثل به معنای شبه یک چیز از نظر مقدار و اندازه و غیر آن حتی در معنی است. (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، ج ۸، ص ۲۲۸) تمثال به کسر به معنای صورة است. (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۶۱۴) اسمی برای چیزی است که بنا بر خلقت غیرش، تصویرگری شده است. (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، ج ۸، ص ۲۲۹)

تمثال: ظاهر از تمثال یک موجود یا شیئی، تشابه داشتن با آن در هیئت است، که این تشابه در همه جوانب است، نه فقط در یک جانب. (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۸۶)

۳. تقریب محل نزاع

با توجه به وجود روایات مختلف در مسئله مجسمه سازی و نقاشی موجودات دارای روح، اختلافاتی در حرمت یا عدم حرمت آنها در بین فقها پدید آمده است که این اختلافات، ریشه در فهم و جمع بین این روایت دارد. در بررسی ادله هر قول به بیان روایات و استدلال به آنها خواهیم پرداخت.

۴. اقوال فقها

۴-۱. قول به حرمت تصویرسازی موجود روح دار

طبق نظر شیخ انصاری، قدر متیقن «اجماع مرکب» از فتوی فقها و نصوص، حرمت مجسمه ذی الروح است. بعضی از فقها به حرمت تصویرسازی موجود روح دار، چه مجسمه و چه نقاشی، قائل شده اند. از روایات نیز برداشت می شود که نقاشی ذی الروح هم حرام باشد. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۱۸۴)

شهید ثانی در مسالک (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۱۲۶) و آیه الله خویی در منهاج الصالحین (خویی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۶) قائل به این نظریه هستند. (اعرافی، ۱۳۹۰، ص ۵۶)

از عبارت مرحوم محقق کرکی هم احتیاط در این مورد فهمیده می شود؛ با توجه به این که





می فرماید: شکی در حرمت مجسمه روح دار نیست، اما آیا نقاشی آن مانند آنچه روی دیوار یا برگه نوشته می شود حرام است یا خیر؟ بعضی از اصحاب قائل به حرمت شدند و در بعضی از روایات کراهت آن بیان شده است. هیچ شکی نیست که تحریم به احتیاط نزدیک تر است. (محقق کرکی، ۱۴۱۴ ق، ج ۴، ص ۲۳)

۴-۲. قول به تفصیل

عده ای از فقها با توجه به روایات موجود در این مسئله، قدر متیقن از آنها را حرمت مجسمه سازی موجودات روح دار می دانند و کشیدن تصویر و نقاشی موجودات روح دار حرام نیست.

محقق اردبیلی در مجمع الفائدة (اردبیلی، بی تا، ج ۸، ص ۵۴) و امام خمینی (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۸۵) و آیه الله تبریزی (تبریزی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۱۵) قائل به این نظریه هستند.

۴-۳. قول عدم حرمت در غیر بت سازی

احتمالی هم مطرح شده است که همه روایات حرمت تصویر سازی، در فضای بت سازی بوده است، پس در غیر آن مورد، حکم حرمت بر مجسمه سازی بار نمی شود. در صدر اسلام برای زدودن فرهنگ بت پرستی که در اسلام ریشه دوانده بوده است، اسلام تصویر سازی را به منظور جلوگیری از بت پرستی حرام نموده است. البته این حکم فقط مربوط به آن زمان نیست، بلکه هر زمانی که از مجسمه به عنوان بت استفاده شود، حکم حرمت وجود دارد. امام خمینی (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، صص ۲۸۸ - ۲۸۷) این نظریه را به عنوان یک احتمال مطرح کرده اند، ولی فتوای ایشان نیست. (اعرافی، ۱۳۹۰، ص ۵۵)

آیه الله خامنه ای در درس خارج مکاسب محرمه در سال ۸۵ این قول را بیان فرموده اند.

۵. ادله فقیهان

۵-۱. ادله حرمت تصویر سازی موجودات روح دار

عنوان نقاشی با توجه به واژه نقش یا تصویر که در روایات ذکر شده فهمیده می شود. واژه نقش، به نقاشی تصریح دارد، ولی منظور از تصویر که در روایات ذکر شده، امکان دارد فقط

نقاشی باشد یا اعم از مجسمه و نقاشی باشد که در هر دو فرض، نقاشی را شامل می‌شود.
(شیخ انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۱۸۴)

ادله حرمت تصویرسازی موجود روح‌دار چه مجسمه و چه غیر مجسمه را می‌توان با توجه به روایات ذکر شده بیان کرد:

- روایات

• از بین آنها اظهر از همه روایت صحیحہ ابن مسلم است. امام صادق علیه السلام در مورد تماثیل درخت و خورشید و ماه می‌فرمایند: تا زمانی که چیزی از حیوان نباشد اشکال ندارد.^۱ (برقی، ج ۲، ص ۶۱۹)

در این روایت، بیان خورشید و ماه، قرینه بر این است که در این روایت، ماده نقش اراده شده است. به این معنا که وقتی در مقابل حیوان، علاوه بر تمثال درخت، تمثال خورشید و ماه هم بیان شده است، درحالی که تصویر خورشید و ماه به صورت غیر مجسم بوده است، پس تمثال حیوان هم هردو را در بر می‌گیرد. درنتیجه، ساخت تمثال حیوان چه مجسم و چه غیر مجسم حرام است.

• کسی که قبری را تجدید کند یا مثالی را بسازد یا بکشد از اسلام خارج است.^۲ (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۱۸۹)

اهل لغت مثال و تصویر را مترادف می‌دانند و مصداق شایع از تصویر، صور نقاشی شده از موجودات روح‌دار است. پس بیان مثال در روایت، هم به معنای مجسمه است و هم غیر مجسمه.

مؤید این نظریه این است که حکمت حرمت تصویرسازی، تشبه به خالق است، پس مجسمه‌بودن یا نبودن، دخلی در آن ندارد، درنتیجه شامل هردو می‌شود.

همچنین، این روایت شامل موجودات غیر ذی‌الروح نمی‌شود و حرمت در مورد آن چه روح ندارد جاری نمی‌شود؛ زیرا در مورد آنها انسان برای انگیزه‌های دیگری غیر از قصد تصویر و خلق اثر، تصویرسازی می‌کند، پس تشبه به خالق از حیث خالقیت رخ نمی‌دهد. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، صص ۱۸۵ - ۱۸۳)

۱. صحیح محمد بن مسلم «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن تماثيل الشجر والشمس والقمر فقال: لا بأس، ما لم يكن شيئاً من الحيوان».

۲. من جدد قبراً أو مثل مثلاً فقد خرج عن الإسلام.





• امام صادق علیه السلام می‌فرماید: سه گروه در روز قیامت عذاب می‌شوند که یکی از آنها، کسی است که صورت حیوانی را صورت‌بندی می‌کند. این شخص عذاب می‌شود تا زمانی که در آن بدمد و این درحالی است که نمی‌تواند در آن بدمد.^۱ (ابن بابویه، ۱۴۱۶ ق، ج ۱، ص ۱۰۸)

اطلاق این روایت، حرمت تصویرسازی موجودات روح‌دار به صورت مطلق چه مجسم و چه غیر مجسم را می‌رساند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۱۲۶؛ مقدس اردبیلی، بی‌تا، ج ۸، ص ۵۵)

البته استظهار اولیه از روایت این است که منظور از تصویر، مجسمه است؛ زیرا نفخ در مورد شیء دارای جسم اتفاق می‌افتد و این‌که نقاشی را هم جزو تصویر بدانیم از این باب که اراده نفخ به معنای این بوده است که انسان بتواند ابتدا آن نقاشی را مجسم کرده و بعد نفخ انجام دهد، خلاف ظاهر است. البته می‌توان گفت: در مورد خود این نقاشی با توجه به این‌که دارای محل است؛ یعنی روی کاغذی کشیده شده است یا با ملاحظه رنگ آن، که دارای اجزا است، امکان نفخ هست.

پس صرف این احتمال بالا که نفخ در مورد مجسم اتفاق می‌افتد، موجب تخصیص روایت نمی‌شود و عرف آن را قرینه به حساب نمی‌آورد. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۱۸۴)

• امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانشان علیهم السلام می‌فرماید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از نقش کردن صورت حیوان بر انگشتر نهی کرده است.^۲ (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۳)

ظاهر این روایت بر حرمت مطلق تصویر موجود روح‌دار دلالت دارد. (مقدس اردبیلی، بی‌تا، ج ۸، ص ۵۵)

• روایت درباره حضرت سلیمان:

امام علیه السلام در تفسیر آیه «يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَتَمَائِيلٍ» (سبأ، ۱۳) می‌فرماید: به خدا، منظور تمثال‌های مردان و زنان نیست، بلکه تمثال‌های خورشید و مانند آن است.^۳ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۵۲۷)

۱. خبر محمد بن مروان عنه أيضا «ثلاثة يعذبون يوم القيامة من صور صورة الحيوان يعذب حتى ينفخ فيها».

۲. و نهی آن بنقش شیء من الحيوان.

۳. «و الله ما هي تماثيل الرجال و النساء، و لكنّها تماثيل الشجر و شبهه».



ظاهر این روایت این است که تماثیل، شامل مجسمه و غیر مجسمه می‌شود؛ (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۱۸۷) زیرا تمثال قطعاً مجسمه را نیز شامل می‌شود، همان‌طور که در معنای آن هم بیان شد که منظور از تمثال، شباهت داشتن از همه جوانب است، ولی برای این که بر نقاشی هم دلالت کند، به قرینه نیاز است که در این روایت، قرینه آن بیان تمثال خورشید است؛ زیرا تصویر خورشید به صورت غیر مجسم بوده است، پس ساخت تمثال موجودات دارای روح، چه مجسمه و چه غیر مجسمه، حرام است.

۵-۲. ادله قول به تفصیل

عده‌ای از فقها به حرمت ساخت مجسمه موجودات روح‌دار و جواز بقیه تصاویر قائل شده‌اند.

۵-۲-۱. بررسی دلالت روایات

روایات مختلف در این باب دایره‌مدار دو عنوان تصویر و تمثیل هستند؛ مگر بعضی روایات که در آنها عنوان نقش آمده است. با توجه به این نکته، در بحث مفهوم‌شناسی بیان شد که تمثال و تصویر، آن چیزی است که در هیئت، از همه جوانب با آن موجود اصلی شباهت داشته باشد، پس اطلاق آنها بر نقوش و تصاویر، از باب مسامحه است؛ اگر می‌بینیم که در روایتی از آنها اطلاق برداشت شده و معنای نقوش هم فهمیده شده است، به خاطر قرائن است. البته اگر این ادعا را قبول کنیم و ادعای دیگری را نپذیریم که تصاویر روی پستی و فرش‌هایی که در روایات ذکر شده به صورت برجسته بوده است؛ مثل آهو نشسته یا ایستاده.

شاهد اینکه نقوش جزء تمثال و تصویر نیستند این است که اگر از عرف پرسیده شود: آیا منظور از این نوع صورت، صورت از همه جوانب است، جوابش منفی خواهد بود.

بررسی روایات به شرح ذیل است:

گروهی از روایات مثل مرسله ابن ابی عمیر از امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: هرکس عکس صورتی را نقش کند در روز قیامت مکلف می‌شود که در آن روح بدمد.^۱ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۵۲۷)

۱. کمرسلة ابن أبي عمير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «من مثَّلَ تمثالاً كَلَفَ يوم القيامة أن ينفخ فيه الروح».



این روایات، دلالت بر مکلف کردن شخص تصویرکننده به نفخ است و این نشان دهنده حرمت ساخت مجسمه است؛ زیرا ظاهر از این روایات این است که امر کردن به نفخ به خاطر مطلق عجز شخص نیست، بلکه درحالتی است که از تصویر حیوان چیزی غیر از دمیدن باقی نمانده است، پس اگر در آن بدمد، تبدیل به حیوان می شود، که ظاهر متفاهم از این معنا این است که ساخت مجسمه موجودات روح دار حرام است و ادعاها و توجیهات دیگر مورد قبول نیست.

مؤید این مسئله این است که مضمون بلکه ظاهر روایات این است که سر حرمت، اختصاص صورت گری به خداوند است، که در آیات قرآن مانند: ﴿هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ﴾ به آن اشاره شده است، پس وقتی انسان، موجود روح داری را تصویرگری می کند، برای نشان دادن ناتوانی اش به او گفته می شود در آن بدم، همان طور که خداوند در آنچه تصویرگری می کند می دمد. این توجیه، با مجسمه بودن تصویر مناسب است.

پس از ظاهر طائفه دوم از روایات فهمیده می شود، آنچه حرام است ساخت مجسمه موجود روح دار است، نه غیر آن، که دلیل آن، قصور ادله از اثبات حرمت آنها است. (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، صص ۲۹۲ - ۲۸۷)

۵-۲-۲. اشکالات به ادله قائلین به قول اول

• روایت صحیح ابن مسلم: امام صادق علیه السلام در مورد تمائیل درخت و خورشید و ماه می فرمایند: تا زمانی که چیزی از حیوان نباشد اشکال ندارد.^۱ (برقی، ج ۲، ص ۶۱۹)

شیخ انصاری این دلیل را از بقیه برای اثبات حرمت تصویرسازی موجود روح دار، چه مجسمه و چه غیر مجسمه، اظهر دانسته است.

این روایت اصلاً ظهوری در این مورد ندارد؛ زیرا وجه سؤال معلوم نیست؛

۱. احتمال دارد سؤال در مورد بازی با تمائیل باشد؛ همان طور که در روایت علی بن جعفر از برادرش امام موسی کاظم علیه السلام وی از پدرش از تمائیل سؤال فرموده و چنین پاسخ دریافت می کند که: نباید با آنها بازی کرد.^۲ (برقی، ج ۲، ص ۶۱۸)

۱. صحیحة محمد بن مسلم - قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن تمائيل الشجر والشمس والقمر، فقال: «لا بأس ما لم يكن شيئاً من الحيوان».

۲. في رواية علي بن جعفر عن أخيه موسى عليه السلام أنه سأل أباه عن التماثيل، فقال: «لا يصلح أن يلعب بها».



علاوه بر این، می‌توان سؤال را بر استفتاء از نگه‌داری یا تزیین خانه‌ها به وسیله آنها یا قراردادن آنها در خانه یا قراردادن در مقابل شخص نمازگزار حمل کرد، که گروهی از روایات هم بر اینها دلالت می‌کنند؛ پس ممکن است سؤال بعد از وجود این تصاویر و در مورد این گونه تصرفات باشد، نه تصویرسازی. (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، صص ۲۹۴-۲۹۳)

۲. این روایت در حرمت ظهور ندارد. مفهوم نفی بأس به معنی وجود بأس در مورد حیوان است، که این دلیل بر حرمت نیست؛ زیرا بأس بر کراهت هم اطلاق می‌شود؛ افزون بر اینکه، بسیاری از نقش‌ها بر گچ یا سنگ بوده است که خالی از مجسم‌بودن نیست؛ پس نمی‌توان گفت چون خورشید و ماه ذکر شده است، پس حتماً منظور روایت نقاشی بوده است، (مکارم، ۱۴۲۶ ق، ص ۱۶۶) از این رو ادعای این که سؤال از نقش است، به این مناسبت که مجسم‌کردن درخت و خورشید و ماه متعارف نیست، وجیه نیست؛ زیرا می‌توان گفت: متعارف در آن زمان عمل سنگ‌تراشی و تصویر اشیاء به وسیله سنگ به صورت مجسمه بوده است و متعارف‌بودن نقاشی، مشخص نیست و لا اقل محرز نیست که متعارف بوده تا موجب انصراف به آن شود. (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۹۵)

• روایت ابوبصیر از امام صادق علیه السلام که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند: جبرئیل به من گفت: ای محمد، پروردگار تو از تماثیل نهی می‌کند.^۱ (برقی، ج ۲، ص ۶۱۴) در این روایت، متعلق نهی مشخص نیست.

• روایت تحف العقول: و ساختن و تصویرسازی تصاویر تا زمانی که مثال روح‌دار نباشد، اشکال ندارد.^۲ (ابن شعبه، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۳۳۵)

این روایت علاوه بر ضعیف‌بودن، در مقام بیان صنف‌های حلال است نه حرام، پس هیچ اطلاقی در عقد مستثنی نیست که شامل مجسمه‌ها و غیر آنها شود و همچنین احتمال دارد مراد از معنی مثل، بت‌ها باشد.

۱. روایة أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: أتاني جبرئيل، فقال: يا محمد، إن ربك ينهى عن التماثيل».

۲. «وصنعة صنوف التصوير ما لم تكن مثل الروحاني».



• گفته شده است که اظهر روایات، روایت امام صادق علیه السلام از پدران ایشان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که می‌فرماید: از نقش کردن صورت حیوان بر انگشتر نهی کرده است.^۱
(ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۳)

اشکال این روایت، علاوه بر ضعیف بودن سند، عدم ذکر الفاظ پیامبر صلی الله علیه و آله در آن نهی‌ها است، بلکه نواهی به شکل اجمال بیان شده است و مشخص نیست نهی به معنای حرمت باشد، بلکه مشتمل بر مکروه‌ها و غیر آن می‌شود؛ پس بر حرمت دلالت نمی‌کند.

امام صادق علیه السلام، الفاظ پیامبر صلی الله علیه و آله را نقل نکرده است و واضح است که پیامبر صلی الله علیه و آله در این موارد نفرموده است که: انی انہاکم عن کذا و انہاکم عن کذا..... بلکه پیامبر صلی الله علیه و آله نهی‌های مختلفی را با الفاظ مختلف انجام داده که بعضی بنا بر حرمت و بعضی بنا بر تنزیه بوده است، پس حکایت امام صادق علیه السلام بر حرمت مگر در بعضی از فقرات، دلالت نمی‌کند. (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، صص ۲۹۶-۲۹۵)

همچنین این روایت، بر حرمت تصویرسازی دلالت نمی‌کند؛ به این دلیل که امکان دارد نهی از خصوص نقش بر انگشتر، فقط مخصوص نماز بوده باشد یا مطلقاً فقط نقش بر انگشتر حرام باشد، البته به دلیل بعضی از ملاک‌هایی که مخصوص انگشتر است. (مکارم، ۱۴۲۶ ق، ص ۱۶۶)

• ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: جبرئیل نزد آمد و گفت: ای محمد، به راستی که پرودگارت به تو سلام می‌رساند و از تزئین خانه‌ها نهی می‌کند. ابوبصیر گوید: عرض کردم: تزئین خانه‌ها چیست؟ فرمود: تزئین با عکس‌ها و تمثال‌هاست.^۲
(کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۵۲۲)
روایت جراح مدائنی: بر سر قبرها خانه نسازید و بر سقف خانه‌ها صورتی نکشید، زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله از آن کراهت داشت.^۳ (برقی، ج ۲، ص ۶۱۲)

۱. «الحسین بن زید، عن الصادق علیه السلام عن آبائه، في حديث المناهي وفيها: «و نهی أن ینقش شیء من الحيوان علی الخاتم».

۲. في رواية أبي بصير عن أبي عبد الله علیه السلام، قال: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: أتاني جبرئیل، فقال: يا محمد، إن ربك یقرئک السلام و ینهی عن تزویق البیوت»، قال أبو بصیر: فقلت: وما تزویق البیوت؟ فقال: «تصاویر التماثیل».

۳. ورواية جراح المدائنی عنه علیه السلام، قال: «لا تبناو علی القبور، ولا تصورا سقف البیوت، فإن رسول الله صلی الله علیه و آله کره ذلك».



نهی از تزئین خانه‌ها و تصویرسازی روی سقف خانه‌ها، بر حرمت تصویر دلالت نمی‌کند، همان‌طور که نهی از ساختن خانه بر روی قبور، بر حرمت یا کراهت آن دلالت نمی‌کند. (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۹۷)

• در تفسیر آیه «يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَتَمَاثِيلَ» امام علیه السلام می‌فرماید: به خدا منظور، تمثال‌های مردان و زنان نیست، بلکه تمثال‌های خورشید و مانند آن است.^۱ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۵۲۷)

این روایت نقل یک قضیه خارجی است، پس واضح نیست منظور از تماثیل، مجسمه‌ها بوده است یا غیر آنها، و اطلاق قضیه شخصیه معنی ندارد. علاوه بر اینکه انکار امام صادق علیه السلام در مورد تماثیل مردان و زنان، به این معنا نیست که آن کار بر حضرت سلیمان حرام بوده است، بلکه شاید مکروه بوده که ارتکاب آن برای پیامبر قبیح بوده است. (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۹۷)

علاوه بر ادله ذکر شده، شواهدی از روایات وجود دارد که می‌توان برای اثبات اینکه مراد از تماثیل در روایات، تماثیل مجسم است، از آنها استفاده کرد:

۵-۲-۳. شواهد بر قول به تفصیل

روایاتی را می‌توان به‌عنوان شاهد بر این که مراد از تماثیل، مجسمه‌ها است آورد: اولین شاهد روایت علی بن جعفر از امام کاظم علیه السلام است؛ علی بن جعفر گوید: از امام پرسیدم: آیا می‌شود در خانه و اتاقی که عکس صورت در آن است، نماز خواند؟ فرمودند: نماز نخوان در حالی که در آن اتاق و خانه عکس صورتی روبرویت بیایی؛ پس اگر مجبور شدی، سر آن عکس را قطع کن و صورت آن را بهم بزن و گرنه در آن نماز نخوان.^۲ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۵۲۷)

و همچنین در روایتی دیگر علی بن جعفر از امام کاظم علیه السلام در مورد مسجدی که در آن

۱. موثقة أبي العباس، عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجل: «يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَتَمَاثِيلَ» فقال: «والله ما هي تماثيل الرجال والنساء ولكنها الشجر وشبهه».

۲. رواية علي بن جعفر عن أبي الحسن عليه السلام قال: سألته عن الدار والحجرة فيها التماثيل أ يصلي فيها؟ فقال: «لا تصل فيها وفيها شيء يستقبلك إلا أن لا تجد بدا فتقطع رؤوسها، وإلا فلا تصل فيها».



تصاویر و تماثیل است از امام سوال می‌کند: آیا می‌توان در آن نماز خواند؟ امام می‌فرماید: اگر سر تماثیل شکسته و سر تصاویر خط خطی شود که مشخص نباشد و نماز در آن خوانده شود، اشکالی ندارد.^۱ (علی بن جعفر، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۲۲۶) این روایت شاهد دوم بر این مدعا است.

و روایت علی بن جعفر که از امام کاظم علیه السلام در مورد نماز در خانه‌ای که در آن صورت ماهی یا پرند یا شبه آنها است، شاهد سوم است؛ در این روایت وی از امام در این باره پرسید. امام جواب داد: صحیح نیست تا اینکه سر آن را قطع کند و اگر در آن نماز خوانده است اعاده لازم نیست.^۲ (علی بن جعفر، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۲۲۳)

اما همه این روایات از بحث ما خارج هستند؛ زیرا در مورد حکم پوشاندن تمثال در خانه برای نماز هستند، مگر اینکه گفته شود این روایات قرینه هستند که این خاص از سائر مطلقات هم اراده شده است.

مدلول این روایات این تخصیص را تایید می‌کنند؛ چراکه ظاهر از حکمت این حرمت، محو آثار شرکت و عبادت بت‌ها بوده است و بت‌ها هم دائماً یا غالباً صورت مجسم داشته‌اند. (مکارم، ۱۴۲۶ ق، ص ۱۶۴)

و اینکه توهم می‌شود حکمت از حرمت، تشبه به خالق است، بعید است؛ چه تشبیه در ساختن صورتی بر قطعه سنگ وجود دارد؟ چه شباهتی بین این و بین کسی که دارای چشم و گوش و... است وجود دارد؟

حکم نماز در خانه‌ای که در آن تمثال وجود دارد یا کراهت قرارگرفتن نمازگزار روبروی تمثال، مؤید این مطلب و ناظر به ترک تشبه به عبادت بت‌ها است؛ علاوه بر اینکه تشبه به خالق در بعضی از صفات ممنوع نیست، بلکه در روایاتی به متخلق شدن به اخلاق خدا امر شده است.

اما اختصاص عبادت به تمثال‌های مجسم ثابت نیست؛ بلکه ظاهر این است که اعم از

۱. رواه علی بن جعفر عن أخيه موسى بن جعفر علیه السلام قال: سألت عن مسجد يكون فيه تصاویر و تماثیل یصلی فیہ؟ فقال: «تکسر رءوس التماثیل و تلطّخ رءوس التصاویر و یصلی فیہ و لا بأس...».

۲. ما ورد فی قطع رأسها و إفسادها مثل ما رواه علی بن جعفر عن أخيه علیه السلام قال: سألت عن البيت فيه صورة سمكة أو طیر أو شبهها یعبث به أهل البيت هل تصلح الصلاة فیہ؟ فقال: «لا حتّی یقطع رأسه منه و یفسد، و إن کان قد صلّى فلیست علیه إعادة».



نقوش و اجسام باشند؛ مثلاً در روایات گاهی از ایستادن در مقابل فرشی که روی آن نقش است منع شده است، البته این در صورتی است که وجود عموماتی که دال بر حرمت را قبول کنیم، در حالی که بعضی از روایات این حرمت را نمی‌رسانند؛ مثلاً هرچند روایت نهی از تزئین خانه‌ها مطلق است، اما نهی از نفس تصویر نیست، بلکه نهی به خاطر این است که خانه‌ها محل نماز هستند و با تصویر مناسبت ندارند.

روایاتی که دلالت می‌کنند اگر کسی مثالی را تصویرسازی کند از اسلام خارج است، یا به از بین بردن قبور و محوکردن تصاویر و شکستن تصاویر امر شده است، علاوه بر اشکال در سندشان، ظاهراً به آنچه در معرض عبادت بوده اختصاص دارند و شکستن و محو آن با انگیزه محو آثار بت‌ها انجام می‌شده است که شاهد بر آن هم قراردادن تصویرسازی در حد کفر و قراردادن آن در کنار بناء قبور است و می‌دانیم که بناء قبرها نوعی از عبادت آنها بوده است که در روایت: «خداوند یهود را به خاطر اینکه قبور انبیائشان را محل سجده قرار می‌دادند، لعن کرده است»^۱ (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۱۷۸) به آن اشاره شده است؛ علاوه بر اینکه کسر و شکستن، بر مجسمه‌بودن تصویر دلالت می‌کند. (مکارم، ۱۴۲۶ ق، صص ۱۶۶-۱۶۵)

البته عده‌ای از فقها به دلیل اطلاق لفظ صورة در روایات به حرمت تصاویر موجودات روح‌دار به صورت مطلق فتوا داده‌اند، اما با توجه به روایات موجود در باب صلاة که گفته شده است اگر سرشان را تغییر دهیم یا قطع کنیم یا بشکنیم اشکالی ندارد، معلوم می‌شود که این نوع از بیان‌ها به حرمت تصاویر مجسمه اشعار دارد.

بنابراین، روایات قول به جواز غیر مجسمه به هر نحوی که باشد، موافق با اصل، اطلاق آیات و روایات در اکتساب و طلب رزق است. (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۲۲، ص ۴۲)

۳-۵. قول به عدم حرمت در غیر بت‌سازی

ظاهر بعضی از روایات با توجه به مناسبت حکم و موضوع، بر این دلالت می‌کند که منظور از تمایل و صور، تمایل بت‌هایی بوده که عبادت می‌شدند؛ مانند روایتی که بیان می‌دارد که هرکسی قبری را تجدید کند یا مثالی را تصویرسازی کند، از اسلام خارج

۱. و قال النبی ﷺ: لا تتخذوا قبری قبلة ولا مسجداً فان الله عزوجل لعن اليهود حیث اتخذوا قبور انبیائهم مساجد.



است.^۱ (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۱۸۹) و این روایت که شدیدترین مردم از نظر عذاب در روز قیامت، مردی است که پیامبری را به قتل برساند یا پیامبر او را بکشد یا شخصی است که مردم را بدون علم گمراه کند یا مصوری که تمائیل می سازد و تصویرسازی می کند.^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۱۲۳)

این وعیدها و تهدیدات و تشدیدها، با مطلق ساخت مجسمه یا رسم نقاشی مناسب نیست؛ به این دلیل که، ساخت مجسمه بزرگتر از قتل نفس محترمه یا زنا یا لواط یا شرب خمر یا غیراینها از گناهان کبیره نیست، پس مراد از آن ساخت تصاویری است که برای عبادت استفاده می شده است، یا در مورد روایت اخیر شاید منظور کسانی بودند که به صورت در مورد خداوند قائل بوده اند. (وصف خداوند به شکل و ترسیم) در آن عصر افرادی به این مذهب بوده اند. (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۸۸)

آنچه مطابق ظن و موافق طبع مردم است این است که: جمعی از اعراب بعد از محو اساس کفر و شکستن بت هایشان، علقه شان به آن صورت ها هنوز باقی بود؛ بنابراین، تمائیل آنها را برای حفظ آثار گذشتگان و علاقه به بقاء این آثار می ساختند، که پیامبر با این وعیدها که فقط مناسب کفار است آنها را منع کردند تا اساس کفر را از بین ببرند. (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۸۸)

مؤید:

• روایت صحیحہ عبداللہ بن المغیرہ کہ گفت: از امام رضا علیه السلام شنیدم کہ: فردی از امام باقر علیه السلام پرسید: آیا انسان می تواند بر روی فرش بنشیند کہ عکس آدمی بر آن نقش بسته است؟ امام جواب دادند: عجم ها به این گونه عکس ها بزرگ می دارند، درحالی کہ ما آن را خوار می کنیم.^۳ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۷۷)

• از امام موسی کاظم علیه السلام نقل است کہ: جمعی بر امام باقر علیه السلام وارد شدند درحالی کہ حضرت بر فرش نشسته بودند کہ تمثال هایی بر آن نقش شده بود. از حضرت

۱. «من جدّد قبراً أو مثلاً مثلاً فقد خرج عن الإسلام».

۲. «أشدّ الناس عذاباً يوم القيامة رجل قتل نبياً، أو قتله نبي، ورجل يضلّ الناس بغير علم أو مصوّر يصوّر التماثيل و«ان من اشد الناس عذاباً عندالله يوم القيامة المصورون».

۳. صحیحہ عبداللہ بن المغیرہ، قال: سمعت الرضا علیه السلام يقول: «قال قائل لأبي جعفر علیه السلام: يجلس الرجل على بساط فيه تماثيل، فقال: الأعاجم تعظمه وإنّا لمتنهه»؛ أي نحترقه.



در این باره سوال کردند. حضرت جواب دادند: تصمیم دارم به آن اهانت کنم.^۱
(طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۳۲)

• روایت شده است که یحیی کندی می‌گوید: امیر المومنین علی علیه السلام فرمودند:
پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: جبرئیل علیه السلام گفت: ما به خانه‌ای وارد نمی‌شویم که در آن عکس
صورتی است که لگدمال نمی‌شود.^۲ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۵۲۸)

ظاهر از تحقیر و اهانت به صور که در این روایت بیان شده است، در مقابل تعظیم بوده
است؛ زیرا آنها بت‌ها را عبادت می‌کردند و اعتقاد داشتند که آنها مثالی از رب النوع‌های
واسطه بین بندگان و خدا هستند.

نتیجه این که از این نوع روایات، حرمت مطلق مجسمه‌ها به دست نمی‌آید، چه برسد به
بقیه انواع تصاویر؛ بلکه اینها ظاهراً به ساخت بت‌ها و حفظ آثار جاهلیت و عظمت
مجسمه‌ها مربوط است، پس بعید نیست که قول به حرمت مطلق ساخت مجسمه و
نگهداری آن برای از بین بردن این آثار جاهلیت و حفظ عظمت آنها بوده است. (خمینی،
۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۹۱)

همچنین آیت الله خامنه‌ای در درس خارج با توجه به تهدیدها و تشدیدهای ذکر شده در
دسته‌ای از روایات، این قول را مناسب می‌دانند:

«دسته‌ای از روایات ظهور در حرمت دارد، لکن لحن و تعبیر این دسته در مورد تصویر،
لحن بسیار غلیظ و شدیدی است؛ مثلاً در چهار یا پنج روایت تعبیری است که از آن عذاب
مؤبد فهمیده می‌شود، در بعضی از این روایات تعبیر شده است به اینکه مصوّر ضدّ
خداست، با خدا ضدّیت می‌کند، در بعضی از این روایات خروج از اسلام آمده است. اینها
تعبیرات خیلی شدیدی است، ظهور در حرمت دارد، آن هم با یک چنین تعبیراتی؛ اینجا این
سؤال برای انسان مطرح می‌شود که آنچه موضوع این تهدیدات است، چیست؟ آیا همین
تصویر است، همین چیزی که ما از مفهوم تصویر مجسم یا غیر مجسم می‌فهمیم؟ یا
موضوع چیز دیگری است؟

منشأ این سؤال و تردید این است که ما گناهان بسیاری داریم که از لحاظ تأثیر

۱. ما عن أبي الحسن عليه السلام قال: «دخل قوم على أبي جعفر عليه السلام و هو على بساط فيه تماثيل، فسألوه، فقال: أردت أن أهينه».

۲. وفي رواية: «قال جبرئيل عليه السلام: إنا لا ندخل بيتاً فيه تمثال لا يوطأ».



اجتماعی یا فردی و مفاسدی که بر آن بار می‌شود به مراتب از تصویر بالاترند اما این تعبیرات، با این غلظت درباره آنها به کار نرفته است؛ مثلاً کذب، غیبت، نیمه بین مؤمنین و امثال اینها، این تعبیرات در مورد این گناه بالخصوص به کار رفته است. یک استبعادی در ذهن انسان شکل می‌بندد که مراد از موضوع تصویر در این روایات که با این لحن وارد شده است، همین چیزی باشد که ابتداءً از معنای تصویر به ذهن می‌آید؛ یعنی همین صورت‌سازی مجسماً او غیر مجسّم. این استبعاد به این جهت است که ملاکات احکام شرعیّه در غیر عبادات و مسائل شخصی بخصوص در امور اجتماعی ملاکاتی نیست که قابل فهم نباشد، هرچند بعد از اینکه شارع حکم حرمت را آورد، تا از سوی شارع، حکم حرمت نیامده، ذهن ممکن است متوجه ملاک حرمت نشود. اما بعد که حکم حرمت آمد، انسان متوجه شد که این شیء مبغوض شارع است در این نوع امور عادتاً، غالباً، ملاک را انسان می‌تواند بفهمد، یا حدس بزند، در این مورد خاص وقتی که به جوانب قضیه نگاه می‌کنیم، می‌بینیم در خود تصویر بما هو تصویر هیچگونه ملاکی که یک چنین لحن شدیدی از توییح را اقتضاء کند، وجود ندارد، در حالی که در بسیاری از گناهان دیگر، لحن حکم شرعی هم متناسب با همان ملاکی است که انسان حدس می‌زند، نه اینکه ما ملاک را دقیق می‌فهمیم، این را نمی‌خواهیم ادّعا کنیم، اما لحن متناسب با ملاکی است که انسان می‌فهمد. در اینجا، حرمت با این غلظت و شدّت، به صرف تصویر بما هو تصویر تعلق بگیرد، این، بر خلاف ارتکاز عقل انسان و بر خلاف فهم عقلاً و ارتکازات متشرعین است، در بین عرف متشرّعه اگر از آن کسانی که به حرمت نقّاشی قائلند پرسید آیا تصویر بالاتر است یا دروغ؟ این بالاتر است یا زنا؟ این بالاتر است یا نیمه بین مؤمنین؟ هیچ کس تردید نمی‌کند در اینکه اینها از تصویر شدیدتراند، این ارتکاز متشرّعین است. اگرچه برخی از بزرگان مثل شیخ اعظم مسأله تشبّه به خالق را به عنوان حکمت ذکر کردند، اما انصافاً این، حکمت حرمت نخواهد بود؛ زیرا آن کسی که این کار را می‌کند نمی‌خواهد خود را در ردیف خالق بگذارد. نمی‌خواهد تشبّه به خالق بکند، مثل طیبی که به مداوای بیمار می‌پردازد، نمی‌خواهد تشبّه به شافی پیدا کند، پس حرف محکمی نیست. بنابراین، این استبعادی که سید استاد ما نسبت به این دسته از روایات دارند و به مناسبت حکم و موضوع تعبیر کردند، می‌گویند اینجا مناسبتی ندارد این حکم، با این موضوع، این یک استبعادی



است که باید روی آن تکیه کرد. ایشان می‌فرمایند: مراد از این تمثال و صورت در این روایات بُت‌ها هستند، التَّمَاثِيلُ الَّتِي كَانُوا لَهَا عَاكِفِينَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ، مراد این است، تصویر در این روایات بر اِطْلَاقِش حمل نمی‌شود، منصرف است به نوعی از تصویر که آن تصویر تمثال، بُت‌هاست به مناسبت حکم و موضوع. بعد در ادامه بیان‌شان می‌گویند: «إِنَّ الْمُظْنُونَ الْمَوَافِقَ لِلْإِعْتِبَارِ وَطَبَاعِ النَّاسِ أَنَّ جَمْعًا مِنَ الْأَعْرَابِ بَعْدَ هَدْمِ أُسَاسِ كُفْرِهِمْ وَكَسْرِ أَصْنَامِهِمْ بَيَدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ أَمْرِهِ، كَانَتْ عُقْلَتُهُمْ بِتِلْكَ الصُّوَرِ وَ التَّمَاثِيلِ بَاقِيَةً فِي سَرَ قُلُوبِهِمْ فَصَنَعُوا أَمْثَالًا لَهَا»، مراد ایشان از اعراب بادیه‌نشین‌هاست نه کسانی که نزدیک به پیامبر بودند، یعنی صحرانشین‌های متعصب دور از معارف حَقَّةِ إلهیه، لکن اسلام آورده بودند ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا﴾ تسلیم شده بودند، اما آن سَرَ قُلُوبِشان ایمان آنچنانی نبود، «فَصَنَعُوا أَمْثَالًا لَهَا حِفْظًا لِأَثَارِ أَسْلَافِهِمْ وَ حُبًّا لِبَقَائِهَا، فَهِيَ النَّبِيُّ ﷺ عَنْهُ بِتِلْكَ التَّشْدِيدَاتِ وَ التَّوَعِيدَاتِ الَّتِي لَا تَنَاسِبُ إِلَّا لِلْكَفَّارِ وَ مَنْ يَتْلُو تَلَوَهُمْ». اینطور تهدیدها مناسب کفار و کسی شبیه کفار است، مناسب با کشنده معمولی صورت یک حیوانی یا انسانی نیست بگویند تو به خاطر این تصویر در عذاب مخلّد باقی می‌مانی. این خیلی نامتناسب به نظر می‌آید. قمعاً لَأَسَاسِ الْكُفْرِ وَ مَادَّةُ الزُّنْدَقَةِ وَ دَفْعًا عَنْ حُوزَةِ التَّوْحِيدِ وَعَلَيْهِ، تكون تلك الروايات ظاهرة أو منصرفة إلى ما ذكر. با این بیان، روایات ظهور خودشان را در اطلاق از دست می‌دهند. اصلاً اطلاق ندارند. ظهور در همین اصنام و تماثیل و بت‌ها پیدا می‌کنند، یا لا اقل، اگر اطلاق را قبول کردیم، این اطلاق منصرف است به همین شق، به همین صنف از صورت، اخذ به اطلاق نمی‌شود». (آیه الله خامنه‌ای، المسألة الرابعة: التصوير، جلسه ۱۵۲)

ایشان در ادامه می‌فرمایند که: «این روایات با این لحن شدید و این توبیخ مربوط به مطلق تصویر نیست، مربوط به یک امر دیگری است. حصّه‌ای از این عنوان مطلق است؛ یعنی آن تصویری که بر نگهداری آن، بر حفظ و تولید آن آثاری مترتب است که آن آثار در حدّ خطر به کفر و شرک انداختن انسان است، آن وقت معمول بوده است هم در زمان پیامبر ﷺ که بعضی از این روایات زمان نبی مکرم ﷺ یا از امیرالمؤمنین  صادر شده است و هم در زمان صادقین  که بعضی از این روایات از آن بزرگواران صادر شده است، فقط بت‌های جاهلیّت نیست که ما بگوییم زمان امام باقر و امام صادق  که خبری از بت



نبود، بلکه مراد همه آن تماثیل و مجسمه‌هایی است که بشر یک گرایش تقدیسی و عبادی برای آن قائل است. مثل مجسمه حضرت عیسی علیه السلام و حضرت مریم یا نقاشی آن بزرگوارها در کلیساها بود، امروز هم هست، یا مثل آن تصویر اهورا مزدا که الآن هم برای زردشتی‌ها، جزو تصویرهای مقدسشان است. در تخت جمشید و آثار قدیمی ما هم تصاویر فراوان وجود دارد که منسوب به مزدا یا منسوب به یکی از مقدسین اینهاست. اینها آنوقت هم رایج بوده است، هم در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله معمول و متعارف بوده است و هم در زمان ائمه علیهم السلام که فتوحات اسلامی انجام گرفته بود، مسلمانان با مسیحی‌ها، مجوس‌ها رفت و آمد داشتند، کلیساهای اینها را و معابد اینها را دیده بودند، یک تمایل قهری هم وجود دارد، مثلاً وقتی علی علیه السلام را دوست دارد یا پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست دارد، مجسمه این بزرگان را در مسجد یا خانه بگذارد، این نهی و تشدید راجع به این است، این را نمی‌خواهیم به طور جزم بیان کنیم، اما لاقلاً، این احتمال باعث می‌شود این روایات را از اطلاق بیاندازد، ظهور روایات را در افاده حرمت در مطلق تصویر از بین می‌برد، در این نمی‌شود تردید کرد. علی ای حال، پس آن چیزی که از ظاهر این روایات فهمیده می‌شود، حرمت مطلق تصویر ذات روح یعنی به هر شکل، چه مجسم چه غیر مجسم نیست. (آیه الله خامنه‌ای، المسألة الرابعة: التصوير، جلسه ۱۵۲)

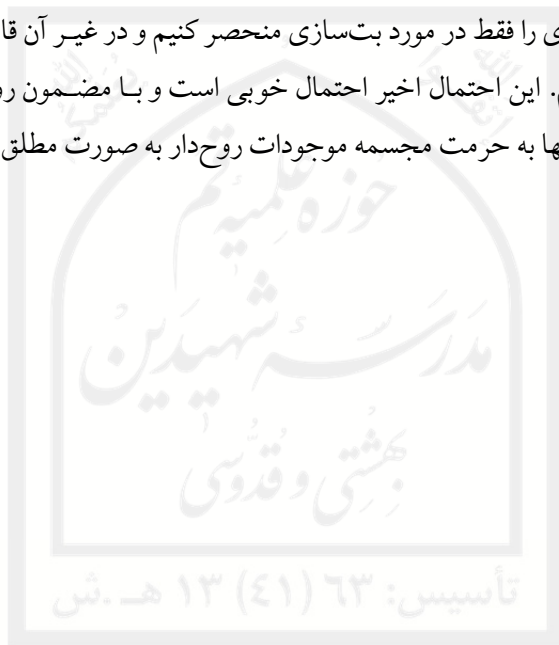
۶. جمع‌بندی ادله و ارائه نظریه مختار

با توجه به بررسی روایات و اشکالاتی که به ادله حرمت تصویرسازی موجود روح‌دار به صورت مطلق بیان شد و همچنین بیان مؤیداتی در مورد عدم حرمت نقاشی موجود روح‌دار، قول به تفصیل (حرمت مجسمه موجود روح‌دار و عدم حرمت نقاشی آن) اقوی است. البته با توجه به تهدیدها و تشدیدهایی که در گروهی از روایات در مورد تصویرسازی وجود داشت، احتمال اینکه حرمت مجسمه‌سازی صرفاً به خاطر بت‌سازی بوده است و در غیر آن حرمتی وجود ندارد، تقویت شد.

۷. نتیجه‌گیری

با توجه به روایات بیان شده در این باب، مشخص شد که قدر متیقن از ادله موجود در مورد حرمت تصاویر و نظر فقها، حرمت مجسمه‌سازی موجودات روح‌دار است، اما در مورد

حرمت نقاشی آنها، اختلاف است که در نهایت با توجه به اشکالات بیان شده به ادله قائلین به حرمت، مشخص شد که قول به عدم حرمت، اقوی است و روایاتی که شامل نقاشی هستند را یا ممکن است از آنها کراهت برداشت کرد، یا این روایات را حمل بر مجسمه کنیم، یا بگوییم که نهی از آن در مورد نماز و قرار گرفتن نمازگزار روبروی آن است که با توجه به اقوال فقها، ایستادن نمازگزار مقابل آن مکروه است، حتی این روایات هم، ظهور در مجسمه بودن تصاویر دارد که خود مؤید بر مطلب ما است. البته با توجه به اینکه تهدیدها و وعیدهای سنگینی در بعضی روایات در مورد مجسمه سازی آمده است، می توان احتمال داد، علت حرمت مجسمه سازی، جلوگیری از عبادت بت ها و از بین بردن این شرک و علقه مردم به این حرکت جاهلی بوده است که این نظر موجب پدید آمدن قول سومی شد که حرمت مجسمه سازی را فقط در مورد بت سازی منحصر کنیم و در غیر آن قائل به حلیت مجسمه سازی شویم. این احتمال اخیر احتمال خوبی است و با مضمون روایات سازگار است، اما مشهور فقها به حرمت مجسمه موجودات روح دار به صورت مطلق قائل شده اند.





فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن سیده، علی بن اسماعیل، و هندأوی، عبدالحمید (۱۴۲۱ ق- ۲۰۰۰ م). *المحکم والمحیط الأعظم*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس، و هارون، عبد السلام محمد (۱۴۰۴ ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب الإعلام الإسلامی. مرکز النشر.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، غفاری، علی اکبر، و غفاری، علی اکبر (۱۳۶۳-۱۴۰۴ ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم. مؤسسة النشر الإسلامی.
۴. _____ (۱۴۱۶ ق). *الخصال*. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم. مؤسسة النشر الإسلامی.
۵. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۰). *مجمعه و نقاشی*. مؤسسه فرهنگي هنري اشراق و عرفان.
۶. انصاری، مرتضی بن محمد امین. المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری المئوية الثانية لمیلاد الشیخ الأعظم الأنصاری. الأمانة العامة (۱۴۱۵ ق). *المکاسب*. قم: مجمع الفكر الاسلامی.
۷. خلیل بن احمد، آل عصفور، محسن، مخزومی، مهدی، و سامرائی، ابراهیم (۱۴۰۹-۱۴۱۰ ق). *العین*. قم: مؤسسة دار الهجرة.
۸. خمینی، روح الله، و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام - دفتر قم (۱۳۹۲-۱۴۳۴ ق). *المکاسب المحرمة*. تهران: مؤسسة تنظیم و نشر آثار الإمام الخميني علیه السلام.
۹. خوئی سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ ق). *منهاج الصالحین*. مدينة العلم. آية الله العظمی الخوئی.
۱۰. تبریزی، جواد (۱۳۸۹). *إرشاد الطالب فی شرح المکاسب*. دار الصديقة الشهيدة علیها السلام.
۱۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی، محقق حلّی، جعفر بن حسن، و مؤسسة المعارف الإسلامية (۱۴۱۳ ق). *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۱۲. صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر، محقق حلّی، جعفر بن حسن، استادی، رضا، میانجی، ابراهیم، آخوندی، علی، قوچانی، عباس، و قوچانی، محمود (۱۳۶۲-۱۹۸۱ م). *جواهر الكلام* (ط. القديمة). بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۱۳. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). *مکارم الأخلاق*. قم: الشریف الرضی.
۱۴. عریضی، علی بن جعفر، و مؤسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث (۱۳۶۸). *مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها*. مشهد: المؤتمر العالمی للإمام الرضا علیه السلام.



۱۵. علامه حلی، حسن بن یوسف، محقق کرکی، علی بن حسین، و مؤسسة آل البيت علیه السلام لإحياء التراث (۱۴۱۴ ق). *جامع المقاصد في شرح القواعد*. قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.
۱۶. علامه حلی، حسن بن یوسف، مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، اشتهاړدی، علی پناه، یزدی، حسین، و عراقی، مجتبی (بی تا). *مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان*. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي.
۱۷. غفاری، علی اکبر، کلینی، محمد بن یعقوب، و آخوندی، محمد. (۱۳۶۳-۱۳۶۵). *الكافي*. تهران: دار الكتب الإسلامية.
۱۸. غفاری، علی اکبر، و ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۶۳-۱۴۰۴ ق). *تحف العقول*. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي.
۱۹. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، و مرعشی، محمد عبدالرحمن. (۱۴۲۰ ق-۲۰۰۰ م). *القاموس المحيط*. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۲۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مسترحمی، هدايت الله، غفاری، علی اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمد تقی، محمودی، محمدباقر، خرسان، محمد مهدی، و دیگران (۱۳۶۸-۱۴۰۳ ق). *بحار الأنوار*. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۲۱. محدث، جلال الدین، و برقی، احمد بن محمد (بی تا). *المحاسن*. قم: دار الكتب الإسلامية.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۶ ق). *أنوار الفقاهة في أحكام العترة الطاهرة: كتاب التجارة، المكاسب المحرمة*. قم: مدرسة الإمام علي بن أبي طالب علیه السلام.